

از تبار پهلوانان

فرهنگ ورزش باستانی
نگاهی به تاریخ ورزش باستانی همدان



چاپ دوم با برخی اصلاحات و افزوده‌ها

نوشته: علی جهان‌پور

GV جهانپور، علی - ۱۳۱۵

۶۵۷ از تبار پهلوانان: فرهنگ ورزش باستانی ایران (نگاهی به ورزش باستانی همدان)

۹۲ / تألیف: علی جهانپور. [ویراست ۲].

۴ الف / همدان: انتشارات برکت کوثر، ۱۳۹۵.

۱۳۹۵ ۴۳۸ ص.

شابک: ۵-۵۱-۷۰۶۶-۶۰۰-۹۷۸

کتابنامه: ص ۴۳۴-۴۳۵

۱. ورزش باستانی - ایران - تاریخ

۲. ورزش باستانی - ایران - همدان. الف. عنوان

۷۹۶/۰۹۵۵



انتشارات برکت کوثر

ناشر برگزیده استان همدان

نام کتاب: از تبار پهلوانان - فرهنگ و ورزش باستانی ایران (نگاهی به ورزش باستانی همدان)

مؤلف: علی جهانپور

تایپ و صفحه‌آرایی: طلوع غرب

بازنگری متن: انتشارات برکت کوثر - تبلیغات آپادانا

طراحی جلد: تبلیغات آپادانا

چاپ و صحافی: یوسف

چاپ: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: همدان - چهارراه تختی، انتشارات برکت کوثر

تلفن: ۳۲۵۳۱۱۷۸ - ۰۹۱۸۸۱۵۹۰۴۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹.....	سخن ناشر.....
۱۱.....	پیشگفتار.....
۱۷.....	مقدمه چاپ دوم.....
۱۹.....	پیشینه فرهنگ زورخانه.....
۲۵.....	بخش یکم: «دورنمایی از ورزش باستانی ایران».....
۳۴.....	نام‌های زورخانه در طول تاریخ.....
۳۶.....	«نگاهی به باستان‌شناخت زورخانه».....
۳۸.....	چند نکته مورد توجه در بافت داخلی زورخانه.....
۵۴.....	رعایت آداب و رسوم ورزشکاران زورخانه در جامعه.....
۵۹.....	کشتی Koshti.....
۶۸.....	عملیات ورزشی زورخانه و فرهنگ هر یک.....
۸۲.....	زورخانه و ادبیات فارسی.....
.....	بخش دوم: ورزش باستانی و زورخانه‌های همدان در طول تاریخ، هم‌چنین
۱۴۱.....	بررسی و بیان زندگی‌نامه پهلوانان نامی منطقه همدان.....
۱۵۳.....	ورزش باستانی همدان.....
۲۷۵.....	بخش سوم: پهلوانان گمنام، استان.....
۲۷۷.....	پهلوانان گمنام اما، در خاطره‌ها.....
۳۰۵.....	بخش چهارم: زورخانه در سایر شهرستان‌های استان.....
۳۲۱.....	بخش پنجم: طرفداران ورزش باستانی همدان.....
۳۳۱.....	بخش ششم: یادمان‌های پهلوانان در همدان و دیگر شهرستان‌های استان.....
۳۴۵.....	بخش هفتم: زورخانه‌ها و مرشدها از گذشته تا امروز.....

- زورخانه‌ها و مرشدهای همدان از گذشته تا امروز ۳۴۷
- بخش هشتم: آیین‌ها و باورها و پندارهای مردمی و فرهنگ واژه‌ها و برخی اصطلاحات ورزش باستانی ۳۷۷
- آیین‌ها و باورها و پندارهای مردمی درباره زورخانه ۳۷۹
- فرهنگ واژه‌ها و برخی اصطلاحات ورزش باستانی ۳۸۳

www.ketab.ir

هوالقوی^۱

سخن ناشر

به راسخی ورزش چیست؟

و ورزشکار کیست؟

ما از ورزش به ما خویم و به دنبال چه گمشده‌ای هستیم؟

فرق ورزش باستانی ایران و ورزش امروزی جهان در چیست؟

گمشده ما در کدامین سو است؟ گنج مقصود کجاست؟

هنگامی که به واکاوی تاریخ می‌پردازیم، لایه‌های زمان را ورق می‌زنیم، به

اصالت و هویت تاریخی ورزش باستانی ایران، بیشتر و بهتر آگاه می‌گردیم.

کاری که استاد ما و مرشد ما، جناب آقای حسین نور، بدان پرداخته و سرافراز

بیرون آمده‌اند.

ورزش باستانی ایران پایه‌ای توحیدی (یکتاپرستی) دارد و ورزش امروزی

جهان، جایگاه تفکر یونانی و اصالت انسان (اومانیسم)^۲ دارد.

آن فکر به پرورش روان و اصالت روح است و این در اندیشه پرورش تن

(اصالت جسم) و غلبه بر طبیعت و سلطه بر حریف و در یک کلام، «قدرت» یا

«لذت».

۱- فرازی از دعای جوشن کبیر

۲- اومانیسم یونانی، ملاک درستی و نادرستی را انسان می‌گیرد. ملاک زیبایی را اندام انسان فرض می‌کند و تنها به آن عناصری در زندگی اهمیت قائل می‌شود که برای انسان قدرت یا لذت بیافریند. در زیباشناسی یونانی توجه به پیکر انسان و نشان دادن زیبایی‌ها، بدن عریان تکیه‌گاه اصلی می‌شود. (برگرفته از: انسان - مارکسیسم - اسلام ص ۷، شریعتی)

آن پهلوان می‌پرورد و این قهرمان.

ورزش قهرمانی هیچگاه مطرود و ناپسند نیست اما اول باید پهلوان بود بعد قهرمان.
شاهنامه که نامه پهلوانان ایرانی است، چه زیبا به این موضوع اشاره دارد.
فردوسی پاک‌روان، همه مردان و زنان عالم را بدان فرامی‌خواند که چنین باشید.
فریدون فرخ‌فرشته نبود ز مُشگ و ز عنبر سرشته نبود
به داد و دهش یافت آن نکویی تو داد و دهش کن فریدون تویی
دنبال فریاد گردید. هریک از شما می‌توانید فریدون باشید.

نشان باز، ریند پهلوانی فریدون، داد و دهش است.
به راستی برهنگ نهفت در زورخانه‌ها نیز باید چنین باشد.
ضرب و زنگ و سنگ و تخته و میل و کباده و آهن و پولاد، همه اینها بهانه است.
هدف ساختن انسان‌هاست.
با یال و کویال و بازوانی ستبر و سینه‌ها گشاده و فراخ
اما بر دل و اندیشه آنان، جاری:

قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عِلْمَ الْعَزِيزَةِ جَوَانِحِي^۱

پروردگارا به اعضا و جوارحم در مقام بندگی، قوت بخش و اراده‌ام را در
این راه، ثابت بدار.

آمین.

برکت کوثر

رسول شریفی - بهمن ۹۴

پیشگفتار

پیش از این که به این کتاب پردازم و پیش از آنکه حتی یک نفر از پهلوانان نامی همدان را طرح نمایم، در زمینه «فرهنگ زورخانه در ایران» سرگرم بررسی و پژوهش بودم. کلیه مطالب از گوشه و کنار، شنیده‌ها و بریده‌های جراید جمع و جور شد. در پی فرستادن مطالب بودم که کار را جدی شروع کنم.

در جریان کار هرگاه به نامی از پهلوانان همدانی برمی‌خوردم، آنها را فهرست نمودم به امید این که روزی مجموعه‌ای از زندگی پهلوانان همدان را تهیه نمایم. این، فکر در جریان کار، بالید و گسردگی یافت... لحظه‌ای متوجه شدم، می‌تواند خود یک بخشی از کل باشد، به عبارت دیگر پیش مقدمه‌ای برای کارهایی دیگر، بنابراین کار جزئی پیشی گرفت و به دلایلی که خواهد آمد، تاریخ زورخانه و پهلوانان همدان را با عنوان «از تبار پهلوانان» دنبال نمودم. باید بگویم دو نکته اساسی، انگیزه این کار بود.

۱- مگر ورزش باستانی (ورزش زورخانه‌ای) ورزش دلخواه و سستی ما ایرانیان نیست؟ مگر این ورزش از سابقه بیش از دوهزارساله در ایران‌زمین برخوردار نمی‌باشد؟ مگر نتوانسته در هر شرایط زمانی خود را با تحولات سیاسی، اجتماعی وفق دهد و جایگاه خود را حفظ نماید؟ مگر امروز ورزش باستانی یکی از فرهنگ‌ها و هویت ملی ما ایرانیان به شمار نمی‌آید؟ پس لازم

است، به گوشه‌ای از تاریخچه دقیق آن در فلات ایران زمین پرداخت، تا حداقل یکی از اسناد ملی را در گوشه‌ای از ایران شناخته و معرفی نمود.

۲- ضمن بررسی «فرهنگ زورخانه ایران» متوجه شدم در این راستا شهر کهن سال همدان حرفی برای گفتن دارد، پس چرا گفته نشود؟

نه تنها همدان، هر استان و منطقه دیگر از کشور عزیزمان ایران، تاریخ پهلوانی ویژه خود را دارد، که باید بازگو گردد. باید با صدایی رسا مردان پهلوان صفت که الگوی نامردی، دلیری، دلاوری، یاری و مدد رسانی بودند به همه معرفی شوند، باید گفت، جوانمردی کدام است و جوانمرد کیست؟ عیاران^۱، فتیان^۲، رندان و قلندران^۳، پهلوانان از زمان گذشته در کجا و چگونه تربیت می‌شدند، تا توانستند تداوم سرافرازی ایران میزبان در طول سده‌های بسیار نگهدار باشند، با غرور و سربلندی از کنار رود «سند» گرفته تا دشت خونبار «چالدران» از پیشگاه خان مغول تا سکوی افتخارات المپیک^۴، نام بلند ایران زمین با روح بزرگ پهلوانی دفاع کنند. باید سخن گفت، و حقایق را با دل غبار گرفته تاریخ بیرون کشید. علاوه بر دو نکته فوق نکات دیگری هم انگیزه این جست‌وجو است.

۱- در هر فرد پهلوان چه شناخته شده و چه گمنام، در خاطرات مردمی و در گوشه و کنار شهر به نکاتی می‌توان رسید که نمونه‌ای از صفات واقعی یک پهلوان تمام‌عیار در آنها دیده می‌شود.

۲- باید گفت و نشان داد، اگر ورزش باستانی ایران توانسته دهه‌ها و قرن‌ها پیش سر بگذارد و در تمامی مراحل تاریخی، اجتماعی و سیاسی، هر زمان

1 - Ayaran

2 - Fatian

3 - Ghalandaran

پیروز و سربلند باشد، پس می‌توان پذیرفت، برای فردا و فرداهای دیگر، همچنان پرنشاط و شاداب، سازنده، پویا و کوشا جلوه‌گر باشد.

۳- اگر امروز، «مرکز ایران‌شناسی» متمرکز در استان‌ها، در راستای معرفی فرهنگ دیرینه و سازنده هر منطقه و استان حرکتی را آغاز نموده است، چرا فرهنگ و تاریخ زورخانه‌ای هر منطقه و استان را در برنامه کاری خود جای ندهد. در حالی که این حرکت پویا و دیرپای اجتماعی با گستردگی‌ای که دارد، حرکتی برای گفتن می‌تواند داشته باشد.

۴- امروز، نگاه کردن جوانان از هویت‌های ملی و افتخارات مردمی، که زنده‌ترین و کویترین اسناد ماندگاری ایران‌زمین است، امری ضروری و لازم می‌باشد. ورزش زورخانه‌ای هم چون نوروز باستانی، شب یلدا (چله) و سایر اعیاد و مراسم ملی در ردیف یک فرهنگ ملی و زنده ما ایرانیان است که باید توجه جهانیان به‌ویژه سازمان جهانی «یونسکو» را به آن جلب نمود. فرهنگ‌های ملی نه تنها کهنه نمی‌شوند بلکه همیشه بنام آن نکات برجسته و مهم اخلاقی و اجتماعی می‌باشند که باید از آنها پاسداری نمود.

۵- احیای تاریخ ورزش زورخانه‌ای ثبت و مکتوب کردن آنها در هر استان و نشان دادن افتخارات پهلوانان برجسته این گروه، بی‌سک، مسئولین امر را ترغیب به پایداری و پشتیبانی از آن می‌نماید.

۶- اگر تاریخ ورزش باستانی همدان تنها یک کتاب از تاریخ این ورزش را نشان می‌دهد، باید پذیرفت تاریخ ورزش باستانی مناطق و استان‌های دیگر، در مجموع و در مدتی بسیار کم، ده‌ها کتاب خواهد بود که هر یک دربردارنده اسنادی پرافتخار از هویت فرهنگ ملی خواهند بود، که این خود جای بسی سپاس و شکرگزاری است. از جهتی این مجموعه می‌تواند انگیزه این حرکت ملی مردمی باشد.

در اینجا اخلاق و وجدان حکم می‌کند، پاسدار و سپاسگزار عزیزانی باشم، که عمری خاک گود زورخانه (gode zoorkhane) خورده‌اند و با همان راستی، پاکی و درستی پهلوانی دستم را گرفتند و یاری‌ام کردند و اگر نبود همکاری تنگاتنگ آنان، من مبتدی و ناآگاه که تنها عشق آن ورزش را داشته و دارم در این راستا قدمی نمی‌توانستم بردارم.

اگر قرار باشد از افرادی که در این کار یاری‌ام دادند جداگانه نام ببرم، سخن به درازای کشد و از حوصله خارج می‌گردد. هرگز فراموش نمی‌کنم یاد و خاطره بر مردانی ۸۰ ساله که مرا با صفای پهلوانی می‌پذیرفتند و ساعتی با حرارت خاطرات خود را بازگفتند که چندی بعد در بین ما نبودند ... یادشان گرمی باد.

عزیزان علاقمندی - مطالب و دست‌نوشته‌ای در اختیار گذاشتند، موضوع و خاطره‌ای را از شنیده‌های خود برای نقل کردند، با رعایت امانت نام آنان را به‌عنوان بازگوکننده در همان مطلب آوردم تا هم رعایت امانت شده باشد و هم از اطناب سخن جلوگیری شود.

در این میان هستند عزیزانی که موضوعی را گنجانده‌اند، عکس‌هایی داده‌اند که در این مجموعه از آنها بهره گرفته نشده است. این را دلیل بر بی‌اعتنائی نگذارند بلکه جای درج آن مطالب در این مختصر نبود انشاء... در صورت امکان در فرصت‌های دیگر استفاده خواهد شد.

در اینجا باید اعتراف نمایم حقیر بیش از این نتوانستم حق مطلب را ادا نمایم و آنچه شایسته این حرکت است کامل به انجام برسانم. بی‌شک بسیاریند پهلوانان بزرگواری که حرفی برای گفتن در این کتاب داشته‌اند و نامی از آنان به میان نیامده علت این کار روشن است. نخست این که آن عزیزان آن‌قدر بزرگوار و

صاحب عزت نفس بودند که نخواسته‌اند کوچک‌ترین اثر مکتوبی از خود باقی بگذارند. باید پذیرفت برای تحقیق و بررسی چنین کاری سال‌ها وقت نیاز دارد و حقیر در این زمینه بیشترین تلاش خود را کرده‌ام.

نکته دیگر، بسیار بودند عزیزانی که من تنها نامی از آنان شنیده بودم، با پیغام، تلفن و نامه. از بازماندگان آنان یاری خواستم تا هر چه دارند در اختیار این کتاب بگذارند. به همان دلیل که گفته شد، بیش از این توفیق حاصل نگردید.

منتهای چون همدان با دارا بودن پیشینه تاریخی بیش از چهار هزار سال فرهنگ و تمدن، یقین دارم در زمینه پهلوانان و دلیر مردانی که روزگاری از شهر و دیار خود پهلوانانه دفاع کرده‌اند بسیار داشته‌کسانی که نام و نشان خوب آنان در غبار زمان پوشیده شده است. دست یافتن به آنان کاری است دشوار و شاید محال...

شاد و پیروز باشید

همدان ۱۳۸۴ - علی جهانپور

مقدمه، چاپ دوم

چهار نخست کتاب «از تبار پهلوانان» با اقبال و استقبال علاقه‌مندان به ورزش باستانی و فرهنگ ده‌رخانه‌ای ایرانی روبرو گردید. آنچه بیش از هر چیز مورد توجه بود، علاقه و عشق جامعه به شناخت هویت‌های ملی می‌باشد که بازتاب آن در گفتگوهای ده‌بانه و گروهی در انجمن‌های مردمی به ویژه ادبی دیده شد. همه می‌دانیم جامعه‌ای ایرانی بر مبنای دو پدیده‌ی بزرگ سرشته شده است. یکی هویت ملی عشق به باور، فرهنگ ملی ایران و دیگر هویت دینی تنیده شده در اعتقادات دینی و مذهبی می‌باشد. اتفاقاً این دو پدیده در فرهنگ زورخانه از جایگاه بلند و محکمی برخوردار است.

پس از انتشار چاپ نخست بسیار بودند خانواده‌های پهلوانان، پیشکسوتان و صاحب‌نامان ورزش زورخانه‌ای که با ارسال نامه، عکس، شرح حال، گزارش و خاطراتی از پدران و جد خود نویسنده این سطور را یادآوری نمودند. که هنوز کار پایان نیافته بلکه این بزرگواران نیز ده‌ها و صدها سال پیش در شهر گردپرور همدان، خاک گود خورده‌اند که گویا فراموش شده و از قلم افتاده‌اند، البته حق به جانب آنان است. از طرف دیگر مطالبی بود که باید نوشته می‌شد و همچنین برخی مطالب که می‌باید از نو پرداخته شده یا حذف می‌گردید که در مجموع نیاز به بازنگری جدی لازم بود.

خداوند متعال توفیق عنایت نمود تا این کاستی و اشکال در چاپ دوم مورد توجه قرار گیرد و رفع گردد. خوشبختانه چند تن از پیشکسوتان این ورزش که از آگاهی جامع در ورزش زورخانه‌ای برخوردار هستند به یاری مؤلف آمدند و با کمک‌های بسیار صمیمانه و نزدیک آنان کم‌وکاستی‌ها رفع گردید. خدای را سپاسگزاریم اعضای محترم هیئت ورزش باستانی و کشتی پهلوانی در این مورد هرگز مؤلف را تنها نگذاشتند و آنچه در اختیار آنان بود با روح بزرگ پهلوان دروغ ننمودند.

علی جهانپور

همدان - ۱۳۹۵

www.ketab.ir